

در طلیعه چهل‌وهفتمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جشن‌های دهه فجر رهبر انقلاب در مرقد مطهر امام‌راحل(ره) حضور یافتند

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، در طلیعه چهل‌وهفتمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جشن‌های دهه فجر، رهبر انقلاب اسلامی طبق روال هرساله، صبح دیروز با حضور در مرقد امام خمینی(ره) با آرمان‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی تجدید میثاق کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اقامه نماز در مرقد امام خمینی(ره)، برای روح آن امام کبیر و مجاهد و شهدای انقلاب، علو درجات مسئلت کردند.

نشربه روزانه سپاه با اعلام پذیرش پیش‌شرط‌های مذاکره ترامپ دنبال تسلیم است نه مذاکره

نشربه روزانه معاونت سیاسی سپاه پاسداران به تهدیدات آمریکا علیه ایران واکنش نشان داد و نوشت: مردم ایران می‌دانند که مسئله هسته‌ای را بهانه کرده، چراکه واقعیت این است ایران در این پرونده، هر آنچه را معقول و منطقی بوده، پذیرفت؛ از محدودیت‌های گسترده گرفته تا بازرسی‌ها و حتی آمادگی برای خروج اورانیوم غنی‌شده در چارچوب مشخص.
نشربه روزانه معاونت سیاسی سپاه پاسداران به تهدیدات آمریکا علیه ایران واکنش نشان داد و نوشت: مردم ایران نه برای نان صرف، نه برای جابه‌جایی یک دولت یا دولتی دیگر، بلکه برای پایان‌دادن به تحقیر تاریخی ایران توسط آمریکا و دست‌نشانده‌اش قیام کردند و در این قیام صدها هزار فرزند خود را قربانی این کشور و آرمان کردند تا در نهایت انقلابی شکل بگیرد که ریشه در این فهم داشت که کشوری وابسته، هرچند ظاهراً آباد، در حقیقت بی‌هویت و بی‌عزت است. اما امروز ترامپ آشکارا همان چیزی را می‌خواهد که مردم ایران علیه آن انقلاب کردند. ملت ایران می‌داند که او از مذاکره سخن نمی‌گوید، از تسلیم حرف می‌زند. تسلیمی که معنایش خلع اراده ملی، تضعیف توان دفاعی و در نهایت، بازگرداندن ایران به مدار وابستگی همچون نظام پهلوی یا مدار تجزیه است که سگ آمریکایی از یک ایرانی حقوق بیشتری داشت. مردم ایران می‌دانند مسئله هسته‌ای را بهانه کرده، چراکه واقعیت این است ایران در این پرونده، هر آنچه را معقول و منطقی بوده، پذیرفت؛ از محدودیت‌های گسترده گرفته تا بازرسی‌ها و حتی آمادگی برای خروج اورانیوم غنی‌شده در چارچوب مشخص. اما آنچه آمریکا می‌خواهد اطمینان نیست، خلع سلاح ایران است برای تحقیر و تجزیه ایران. تجربه تاریخی نشان می‌دهد کشوری که نتوان دفاع و بازدارندگی خود را واگذارد کند، نه امنیت خواهد داشت و نه تمامیت ارضی. پروژه‌ای که در ذهن سیاست‌مدارانی همچون ترامپ شکل گرفته، در نهایت به تضعیف ایران، فشار داخلی و بازکردن مسیر تجزیه می‌انجامد؛ همان الگویی که در منطقه بارها تکرار شده است. در این بین اگر از منظر ملی‌گرایی به موضوع نگاه کنیم، تاریخ ایران سراسر روایت غیرت، عزت و ایستادگی است. این تمدن کهن هیچ‌گاه با‌دادن به اجنبی را فضیلت ندانسته و هیچ‌گاه ناموس، خاک و اراده‌اش را ازازان نفروخته است. ایران وابسته‌ای که ترامپ در ذهن دارد، شبیه همان ایران دوران رضاخان است. کشوری که تصمیم‌هایش در سفارتخانه‌ها گرفته می‌شد و منابعش در اختیار بیگانگان بود. و اگر از نگاه دینی بنگریم، مردم ایران وارثان فرهنگ عاشورا هستند؛ فرهنگی که به ما موخت هیئات منا الذله فقط یک شعار نیست، یک راهبرد تاریخی است. ملتی با این تمدن کهن که خود را پیرو امام حسینی می‌داند، نمی‌تواند در برابر زباده‌خواهی و تحقیر سر تسلیم فرود آورد، حتی اگر هزینه داشته باشد. دهه فجر یادآور همین انتخاب تاریخی است؛ انتخاب میان تجزیه در سایه وابستگی و تحقیر یا عزت در سایه مقاومت. البته تهدیدهای امرو آمریکا، اعترافی است به این واقعیت که ایران مستقل، هنوز برای نظام سلطه مسئله است و این یعنی مردم ایران قوی هستند. و همین، بزرگ‌ترین گواه درستی راهی است که مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ انتخاب کردند.

سرلشکر حاتمی: دست‌ما‌روی ماشه‌است

فرمانده کل ارتش با تأکید بر اینکه امروز در آمادگی بالای دفاعی و نظامی هستیم و تحرکات دشمن را در منطقه زیر نظر داریم، گفت: آنها کاملاً در رصد ما هستند و چون از نیت خیبت‌شان مطلعیم، دست ما روی ماشه است؛ اگر اشتباه کنند بدون تردید امنیت خودشان و سرباز، منطقه و رژیم جنایتکار صهیونیستی را حتما با مخاطره مواجه خواهند کرد.
دیروز در مراسم اختتامیه هجدهمین دوره جشنواره ملی جوان سرباز که در مجتمع الماس تهران برگزار شد، با تریک به مناسبت فرارسیدن سالروز ولادت حضرت علی‌اکبر(ع) و روز جوان، به طراحی‌های دشمن علیه کشور اشاره کرد و گفت: این مراسم در شرایطی برگزار می‌شود که ما جنگ ۱۲روزه را پشت سر گذاشتیم و بعد از آن نیز مرتباً با خیانت‌ها و کنیزت‌های دشمن خیبت علی‌عزیز، نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران مواجه بودیم. او افزود: امروز قدر تمامی کسانی‌که لباس دفاع از کشور جان و ناموس و مال مردم و لباس دفاع از جمهوری اسلامی و امنیت ملی و دستاوردهای انقلاب را در همه نیروهای مسلح پوشیده‌اند، بیشتر می‌دانیم و به‌طور ویژه‌تری مورد احترام ملت ایران هستند. مردم عزیز ما دیدند که دشمنان خیبت اگر فرصتی پیدا کنند، از آن برای ضربه‌زدن به کشور، استقلال، تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران سوءاستفاده خواهند کرد. فرمانده کل ارتش با تأکید بر اینکه امروز در آمادگی بالای دفاعی و نظامی هستیم و تحرکات دشمن را در منطقه زیر نظر داریم، گفت: آنها کاملاً در رصد ما هستند و چون از نیت خیبت‌شان مطلعیم، دست ما روی ماشه است؛ اگر اشتباه کنند بدون تردید امنیت خودشان و سرباز، منطقه و رژیم جنایتکار صهیونیستی را حتما با مخاطره مواجه خواهند کرد.
خوشبختانه همسایگان عزیز ما و کشورهای منطقه تک‌تک اعلام کردند که اجازه سوءاستفاده از سرزمین و فضای کشورشان را نخواهند داد. این هوشمندی همسایگان عزیز ما جای قدردانی دارد؛ آنها می‌دانند که اگر آمریکایی‌ها با فریب نخست‌وزیر جنایتکار رژیم صهیونیستی سربازان خود را به خطر بیندازند و علیه جمهوری اسلامی ایران اقدامی انجام دهند، همه کشورهای منطقه با ناامنی مواجه خواهند شد. سرلشکر حاتمی با بیان اینکه «ما بدون تردید صلح‌طلب‌ترین نظام حاکم در منطقه هستیم»، عنوان کرد: نگاه به گذشته نشان می‌دهد ما به هیچ کشوری حمله نکرده‌ایم، اما آنها از آن طرف دنیا به اینجا آمدند و ما را تهدید می‌کنند و تصور می‌کنند که می‌شود ملت عزیز و سربلند و بزرگی مثل ملت ایران را تهدید کرد. آنها اشتباه می‌کنند؛ چراکه امنیت خود را بی‌خودی فدای امنیت رژیم جنایتکار صهیونی می‌کنند. این اشتباه را نباید تکرار کنند؛ چراکه ملت ایران، ملت عزیز و بزرگی است که سربازان فداکار و فرماندهان جنگ‌بدلی دارد و پاسخ دشمن را خواهند داد. آنها اگر می‌خواهند که باید بخواهند، مسئله‌ای را حل کنند، باید با ملت بزرگ و سربلند ایران با احترام برخورد کنند؛ این خواست همه سربازان، فرماندهان و ملت عزیز ایران است.

موسسی موحّد: مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، صبح دیروز (شنبه ۱۱ بهمن‌ماه) در مراسم تجدید میثاق هیئت دولت با آرمان‌های امام خمینی(ره) به مناسبت دهه فجر، با تأکید بر جایگاه محوری حق و عدالت در اندیشه دینی و انقلابی، تصریح کرد: «عدالت امری روشن و قابل‌سنجش است و بی‌عدالتی را می‌توان به‌سادگی تشخیص داد». به بی‌گفته او: «زمانی که رفتار و عملکرد مسئولان با این اصول در تعارض قرار می‌گیرد، هیچ سخن و ادعایی نمی‌تواند آن را توجیه‌پذیر جلوه دهد؛ چراکه معیار اصلی قضاوت، عمل است نه گفتار». رئیس‌جمهور با اشاره به ضرورت اصلاح رفتار مدیریتی، تأکید کرد: «نگاه حاکمیتی به مردم باید تغییر کند». به تعبیر او: «مردم نباید صرفاً به عنوان تابع و مخاطب دستور دیده شوند، بلکه باید به‌مثابه ارباب‌رجوع و صاحبان اصلی کشور مورد احترام قرار گیرند». پزشکیان با استناد به آموزه‌های قرآنی و سیره امام خمینی(ره) تصریح کرد: «آنچه بیان می‌کند، برداشت شخصی نیست، بلکه ریشه در همان مسیری دارد که امام و بزرگان انقلاب ترسیم کرده‌اند؛ مسیری که محور آن

مردم بودند، نه تحکیم و تقابل». رئیس‌قوه مجریه کشور با یادآوری اینکه راه امام(ره) راه جنگ‌طلبی و خشونت نبود، خاطرنشان کرد: «امام راحل همواره بر بیداری مردم، همراهی اجتماعی و حرکت جمعی تأکید داشت». از نگاه رئیس‌جمهور: «مقابله با خشونت و اقدامات مسلحانه، به معنای نفی گفت‌وگو و مشارکت مردم نبود، بلکه هدف، حفظ مسیر صحیح انقلاب و جلوگیری از انحراف آن بود». پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود، بر تفکیک میان «اعتراض» و «اغتشاش» تأکید کرد و گفت: «معترضان حرف و مطالبه دارند و وظیفه مسئولان شنیدن، گفت‌وگو و تلاش برای حل این درغغه‌هاست». بااین‌حال، او یادآور شد در «برخی مقاطع، اعتراض‌های اجتماعی با تحریک و سوءاستفاده همراه شده و تلاش‌هایی برای ایجاد شکاف در جامعه صورت گرفته است». رئیس‌جمهور با اشاره به نقش محوری رهبری انقلاب در خنثی‌سازی توطئه‌ها، تأکید کرد این واقعیت نباید موجب غفلت مسئولان از اصلاحات محکم‌نیت و تصمیم‌گیری را با مشکل مواجه کرده است». او افزود: «اگر کشور دارای چند حزب قدرتمند بود، بسیاری از این چالش‌ها به شکل طبیعی در درون سازوکارهای حزبی حل‌وفصل می‌شد. هرچند اذعان کرد: «برداختن به ریشه‌های این مسئله نیازمند بحثی جداگانه است». او با انتقاد از رویکرد آمرانه در حکمرانی گفت: «مرتب می‌گوییم فرمان می‌دهیم و دستور می‌دهیم، اما ما چه کاره‌ایم که فرمان بدهیم؟ همه‌کاره مردم هستند». روحانی تأکید کرد: «مسئولان باید خود را خادم و نوکر مردم بدانند و هرکجا خواست اکثریت مردم به‌روشنی مشخص است، براساس آن عمل کنند تا شکاف‌های اجتماعی تعمیق نشود و وحدت ملی آسیب نبیند». او وحدت و انسجام ملی را شرط فوری و اساسی برای ایستادگی در برابر فشارهای خارجی دانست و یادآور شد: «مقابله با قدرت‌های بیرونی، بدون ساختن یک ملت متحد ممکن نیست». به باور روحانی: «این وحدت فقط زمانی شکل می‌گیرد که حاکمیت در برابر مردم «تسلیم» باشد، خواست آنان را بشنوند و از لجبازی با جامعه دست بردارد». او تأکید کرد: «لجبازی در برابر مردم نتیجه‌ای جز فرسایش سرمایه اجتماعی ندارد».

روحانی: جامعه نیازمند «اصلاح بزرگ» و «تغییرات معنادار» است

قبل‌تر هم حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین کشور، روز چهارشنبه هشتم بهمن، در دیدار جمعی از وزیران و معاونان دولت‌های یازدهم و دوازدهم، با نگاهی آسیب‌شناسانه به وضعیت کنونی کشور، بر ضرورت شنیدن صدای مردم و پاسخ‌گویی واقعی به مطالبات آنان تأکید کرد. او تصریح کرد پاسخ به اعتراضات اجتماعی، با اقدامات حداقلی و اصلاحات جزئی ممکن نیست و اگر مسئولان فقط به بخش کوچکی از خواسته‌های مردم توجه کنند و بخش عمده مطالبات را نادیده بگیرند، بحران با به‌زودی و شاید در فاصله‌ای کوتاه دوباره بازتولید خواهند شد». به باور روحانی، جامعه نیازمند «اصلاح بزرگ» و «تغییرات معنادار» است، نه اقدامات مقطعی و محدود.

روحانی با تأکید بر اینکه مردم باید احساس کنند پیام آنها به‌درستی دریافت شده است، خاطرنشان کرد: «همه کسانی که به صحنه اعتراض آمدند، حامل پیامی بودند؛ چه آنهایی که مطالبات خود را به‌صورت مسالمت‌آمیز

بیان کردند و چه کسانی که با ادبیات تندتری سخن گفتند». رئیس‌جمهور اسبق در عین حال مرزبندی روشنی با تخریب و اقدامات تروریستی داشت و تصریح کرد: «حساب این گروه‌ها جداس‌ست، اما اکثریت معترضان، شهروندانی نگران و دلسوز ایران هستند که باید صدایشان شنیده شود». رئیس‌دولت‌های یازدهم و دوازدهم با اشاره به تمرکز بیش از حد بر معیشت، تأکید کرد: «هرچند حل مشکلات اقتصادی و تأمین امنیت مردم امری اساسی است، اما رضایت عمومی صرفاً به این دو حوزه محدود نمی‌شود». به زعم او، آنچه قدرت ملی را می‌سازد، مردم هستند و «قدرت مردم، قدرت اصلی» یک کشور است؛ از این رو، سیاست‌گذاری نباید صرفاً معطوف به آرام‌کردن مقطعی جامعه یا بازگرداندن مردم به خانه‌ها باشد، بلکه هدف نهایی باید توانمندسازی ملت و افزایش رضایت عمومی باشد. روحانی در ادامه به ضعف ساختارهای سیاسی اشاره کرد و گفت: «نبود یک نظام حزبی کارآمد، فرایندهای انتخاباتی و تصمیم‌گیری را با مشکل مواجه کرده است». او افزود: «اگر کشور دارای چند حزب قدرتمند بود، بسیاری از این چالش‌ها به شکل طبیعی در درون سازوکارهای حزبی حل‌وفصل می‌شد. هرچند اذعان کرد: «برداختن به ریشه‌های این مسئله نیازمند بحثی جداگانه است».

او با انتقاد از رویکرد آمرانه در حکمرانی گفت: «مرتب می‌گوییم فرمان می‌دهیم و دستور می‌دهیم، اما ما چه کاره‌ایم که فرمان بدهیم؟ همه‌کاره مردم هستند». روحانی تأکید کرد: «مسئولان باید خود را خادم و نوکر مردم بدانند و هرکجا خواست اکثریت مردم به‌روشنی مشخص است، براساس آن عمل کنند تا شکاف‌های اجتماعی تعمیق نشود و وحدت ملی آسیب نبیند». او وحدت و انسجام ملی را شرط فوری و اساسی برای ایستادگی در برابر فشارهای خارجی دانست و یادآور شد: «مقابله با قدرت‌های بیرونی، بدون ساختن یک ملت متحد ممکن نیست». به باور روحانی: «این وحدت فقط زمانی شکل می‌گیرد که حاکمیت در برابر مردم «تسلیم» باشد، خواست آنان را بشنوند و از لجبازی با جامعه دست بردارد». او تأکید کرد: «لجبازی در برابر مردم نتیجه‌ای جز فرسایش سرمایه اجتماعی ندارد».

روحانی همچنین به لزوم مشارکت مردم در تصمیمات کلان، به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی، اشاره کرد و با استناد به اصول قانون اساسی متذکر شد: «اگر برای کمک یا وام به خارجیان نیاز به رای مجلس وجود دارد، چرا در عمل به این اصول پایبندی کامل دیده نمی‌شود؟». رئیس‌جمهور ایران در دولت‌های یازدهم و دوازدهم پیشنهاد داد: «هشت تا ۱۰ سؤال و مسئله مردم را به همه‌پرسی بگذاریم و به مردم بگوییم شما هشت تا مسئله از ما کله دارید، نگرانید



و این هشت مسئله مهم است و می‌خواهید حل شود. ما در برابر نظر اکثریت قاطع شما تسلیم هستیم. ما قبول می‌کنیم هرچه شما بگویید. اگر چنین کنیم واثه ۹۵ درصد مردم آن زمان اعلام رضایت می‌کنند». به گفته روحانی: «اجرای واقعی خواست مردم می‌تواند رضایت‌گسترده‌ای ایجاد کند. قدرت ملی را افزایش، جایگاه ایران را در منطقه و جهان ارتقا دهد و دشمنان را مأیوس کند». رئیس‌جمهور اسبق با اشاره به اصل «همه به جای خود»، تأکید کرد: «اگر هر نهاد و هر بخش در چارچوب وظایف قانونی خود عمل کند و از دخالت‌های نابجا پرهیز شود، مسیر اصلاح هموار شده و کشور می‌تواند از بحران‌های کنونی عبور کند و به آینده‌ای بهتر دست یابد».

مانور تکراری بر اصلاحات

تقاطع بحران‌های سیاست داخلی و خارجی در زمستان ۱۴۰۴، ایران را در وضعیتی قرار داده است که هرگونه خطای محاسباتی می‌تواند هزینه‌هایی فراتر از تجربه‌های پیشین بر کشور تحمیل کند. مجموعه تحولات ماه‌های اخیر نشان می‌دهد سطحی از جدیت، حساسیت و درک شکنندگی اوضاع در میان برخی از عالی‌ترین سطوح اجرایی کشور شکل گرفته است؛ امری که در سخنان رئیس‌جمهور فعلی و به‌ویژه رئیس‌جمهور اسبق، به‌وضوح قابل ردگیری است. بااین‌حال، آنچه از دل این مواضع بیش از همه به چشم می‌آید، نه صرفاً هشدار نسبت به وضعیت موجود، بلکه اذعان ضمنی به عمق تهدیدهایی است که هم‌زمان از درون و بیرون، ثبات سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک کشور را نشانه رفته‌اند.

اظهارات حسن روحانی بیش از آنکه یادآور یک روایت سیاسی گذشته باشد، حامل نوعی اعلام خطر درباره شکنندگی فزاینده وضعیت داخلی و خارجی است. او برخلاف بسیاری از مواضع کلی و تکرار‌شده، به‌صراحت بر ناکارآمدی اصلاحات حداقلی و تغییرات جزئی تأکید می‌کند و از ضرورت تصمیم‌های بزرگ و پرهزینه سخن می‌گوید. همین نکته، سخنان او را از سطح توصیه‌های اخلاقی یا سیاسی فراتر می‌برد و به سطح یک هشدار ساختاری ارتقا می‌دهد.

بنابراین باید اذعان کرد مانور روحانی، پزشکیان و دیگر مسئولان فعلی و سابق بر کلیدواژه «اصلاحات» آن‌گونه که در دو دهه گذشته به کار رفته، امروز نه‌تنها واجد بار اقا‌عی برای افکار عمومی نیست، بلکه می‌تواند به لجبابت بیشتر جامعه منجر شود؛ چون جامعه‌ای که تجربه‌های مکرر وعده، تعلیق و فرصت‌سوزی را پشت سر گذاشته است، به دشواری با مفاهیم کلی و تکرار‌شونده قانع می‌شود. آنچه در دی و بهمن‌ماه به ایران گذشت و آنچه در هفته‌های

مسئله مردم سیاست است، نه سیاست مدار

اختلال جدی شده است. همچنین درست است که به واسطه همین وضعیت چشم‌انداز روشن و امیدوارکننده‌ای مقابل چشم مردم قرار ندارد. و درست‌تر از این دو این است که نوسازی عصر پهلوی به مرض «روایی قابل فروش» عرضه کرده است. باین‌همه آنچه برای مردم اهمیت دارد، کارآمدی سیستم است. سیستمی که در آن آب و برق نه مجانی، بلکه در دسترس باشد. به خاطر فشار تحریم دولت‌ها ناچار به برداشتن بارانه‌های مختلف نشوند. به واسطه فشارهای سیاسی جایگاه ایران در جهان تضعیف نشود یا به واسطه درگیری‌ها زیر سایه شوم جنگ زندگی نکنند.

بنابراین مسئله مردم شیفتگی به این یا آن سیاست‌مدار نیست، بلکه آنچه برای‌شان اهمیت دارد، تغییر سیاست‌هاست که خود روحانی دلیل روشن این مدعاست.

تغییر سیاست‌مدار

در سال ۸۴ اکثریت مردم از ایده‌های احمدی‌نژاد در مقابل هاشمی‌رفسنجانی حمایت کردند و همان اکثریت هشت سال بعد چنان اقبالی به هاشمی پیدا کرد که او رد صلاحیت شد (روایت این رد صلاحیت و نقش‌یکی از وزرای احمدی‌نژاد در آن ماجرا بارها از طرف خود هاشمی بیان شده است) اما این مسئله هم باعث نشد مردم دست از خواسته خود بردارند. اقبالی که مردم به حسن روحانی در سال ۹۲ داشتند، بر این مبنا بود که امیدوار شدند حسن روحانی بتواند سیاست‌ها را آن‌طور که مردم می‌خواهند تغییر دهد. این تغییر برای چهار سال تا حد زیادی مدتی کشید. به نحوی که در سال ۹۶ مردم برای تداوم تغییر سیاست‌ها پنج ساعت در صف رای‌دادن ایستادند. اما با آمدن ترامپ ورق برای آن دولت برگشت و حسن روحانی هم به سرخط همان سیاست‌های قبلی

«شرق» توصیه رؤسای جمهوری اسبق و فعلی کشور را بر ضرورت اصلاحات واکاوی می‌کند

زمستان تصمیم‌های بزرگ

پیش‌رو تا پایان سال ۱۴۰۴ انتظار می‌رود، بیش از هرچیز نشان می‌دهد فاصله میان انتظارات اجتماعی و اراده تصمیم‌سازی، به سطحی رسیده که با ادبیات گذشته قابل پرکردن نیست. لذا اگر مخاطب اصلی هشدارهای روحانی و پزشکیان نه جامعه، بلکه نهاده‌ا و سطوح تصمیم‌گیر باشند، نشانه‌های اندکی وجود دارد که حاکی از آمادگی واقعی برای تغییر رویه باشد. تجربه پس از اعتراضات دی‌ماه، سایه سنگین احتمال تشدید تنش‌های خارجی و همچنین خاطره فرصت‌سوزی پس از جنگ ۱۲روزه، همگی گواه آن است که الگوی غالب همچنان بر مدیریت کوتاهمدت بحران و پرهیز از اصلاحات ساختاری استوار است. در چنین فضایی، بعید به نظر می‌رسد تصمیم‌گیران ضرورت اصلاحات بزرگ یا حتی رجوع به سازوکارهایی همچون همه‌پرسی را به عنوان یک نیاز فوری ببینند.

بازخوانی سرمایه‌های انقلاب

در آستانه دهه فجر ۱۴۰۴ و هم‌زمان با ورود نظام به چهل‌وهشتمین سال استقرار خود، تقارن معناداری میان «گذشته» و «اکنون» شکل گرفته است؛ تقارنی که بیش از آنکه یادآور جشن و پیروزی باشد، حامل پرسش‌های بنیادین درباره مسیر طی‌شده و افق پیش‌روست. انقلابی که با شعار عدالت، کرامت مردم و نفی سلطه آغاز شد، امروز در شرایطی ایستاده که فشارهای تومان داخلی و خارجی، تاب‌آوری ساختارها را به آزمونی جدی کشانده است. حساسیت این مقطع از آن روست که سرمایه‌های نمادین انقلاب، بیش از هر زمان، نیازمند بازخوانی عملی و نه صرفاً شعاری هستند. جامعه پس از طی مسیر ۴۷ساله بعد از انقلاب، نشانه‌های روشنی از خستگی، فرسایش ناشی از اصطکاک سیاسی-اجتماعی، مطالبه‌گری و انتظار «تغییر» را بروز می‌دهد و بی‌توجهی به این علائم می‌تواند شکاف‌ها را عمیق‌تر کند. دهه فجر همواره یادآور لحظه «انتخاب» مردم ایران در سال ۵۷ بوده است؛ انتخاب میان تکرار مسیرهای کم‌ثر یا بازگشت هوشمندانه به اصولی که انقلاب را ممکن کرد.

امروز نیز سیستم تصمیم‌گیری با انتخابی دشوار اما سرنوشت‌ساز مواجه است؛ بازتولید اعتماد از مسیر اصلاحات مؤثر و کم‌هزینه یا پذیرش پیامدهای تعلل در زمانی که قطعاً تاریخ با شتابی بیشتر انتخاب ایران در ۱۴۰۴ را داور خواهد کرد. با این همه، واقعیت آن است که تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بارها نشان داده نادیده‌گرفتن فرصت‌های اصلاح دواطلبانه، لزوماً به حذف ضرورت «تغییر» منجر نمی‌شود. اگر پنجره اصلاحات به‌طور آگاهانه بسته شود، اصلاح دیگر یک «گزین» نخواهد بود، بلکه به یک «الزام» تبدیل می‌شود؛ الزامی که ممکن است در قالب‌هایی پرهزینه‌تر و خارج از اراده سیاست‌گذاران خود را تحمیل کند. هشدار اصلی در اینجااست که هنوز شاید مجالی محدود برای انتخاب مسیر کم‌هزینه‌تر وجود داشته باشد، اما این مجال دانی نیست. تعلل در تصمیم، خود تصمیمی است که پیامدهای آن می‌تواند آینده سیاسی و اجتماعی کشور را به‌طور بنیادین تحت تأثیر قرار دهد.

تقاطع بحران‌های سیاست داخلی و خارجی در زمستان ۱۴۰۴، ایران را در وضعیتی قرار داده است که هرگونه خطای محاسباتی می‌تواند هزینه‌هایی فراتر از تجربه‌های پیشین بر کشور تحمیل کند. مجموعه تحولات ماه‌های اخیر نشان می‌دهد سطحی از جدیت، حساسیت و درک شکنندگی اوضاع در میان برخی از عالی‌ترین سطوح اجرایی کشور شکل گرفته است

بازگشت. وقایع دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ با همین زمینه رقم خورد. بنابراین مردمی که به هاشمی اقبال داشتند، شیفته او نبودند، ازاین‌رو به‌راحتی به هر فردی که پهلوی به مرض «روایی قابل فروش» عرضه حاضر بودند رأی دهند. اما این را هم آزمونند. در سال ۱۴۰۰ اکثریت مردم به این نتیجه رسیدند که سیاست‌مداران موجود هرچند تندترین حرف‌ها را در مناظره‌ها بیان می‌کنند، اما از توان لازم برای تغییر «سیاست‌ها» برخوردار نیستند. حتی در ۱۴۰۳ نیز علت عدم حضور اکثریت ۶۰درصدی در دور اول انتخابات همین بود. بنابراین همین امروز هم مشکل بر سر این نیست که مردم شیفته سیاست‌مداری هستند که اجازه حضور در انتخابات پیدا نمی‌کند. آنچه مردم می‌خواهند، تغییر در سیاست‌های داخلی در حوزه آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی و همچنین تغییر در حوزه سیاست خارجی است. تلاش مردم برای تغییر از طریق صندوق با‌ین‌بست مواجه شده است. مردم سیاست‌مداران را تغییر می‌دهند تا سیاست تغییر کند. اما این اتفاق نمی‌افتد. چه روحانی باشد، چه رئیسی و چه پزشکیان، در نهایت خروجی اعتراضات تفاوت چندانی نمی‌کند. در حوزه سیاست خارجی و داخلی هم وضع به همین منوال است.

بنابراین می‌توان گفت مردم منتظر حضور فردی در میان کاندیداهای ریاست‌جمهوری نیستند که به او رأی بدهند. این مسئله البته درمورد مجلس تا حدی متفاوت است. مردم نمایندگانی می‌خواهند که نماینده واقعی آنها باشد و با رفتن به درون مجلس، قوانین را مطابق سلیقه و خواست اکثریت بنویسد. اما آنچه شاهد آن هستند، این است که حتی اگر قانونی هم مطالب خواست مردم نوشته شده، در شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام رد می‌شود. در نهایت سیاست‌مدار تغییر کرده، بدون آنکه سیاست تغییر کند. در نتیجه اینکه آنچه باید در ایران تغییر کند، سیاست است، نه سیاست‌مدار.